

گل نوشته‌های دوست داشتنی

شامل فواسته‌های آنانی که

پیوند ،

دوستی،

مادر،

پدر،

و معلم

را عاشقانه دوست می‌دارند

و همچنین آنانی که احساس را به بهای عقل نمی‌فروشند...

نویسنده: امیر ماهر و

ماهر، امیر، ۱۳۴۸ -
گل نوشته های دوست داشتنی: شامل خواسته های
آنانی که پیوند را... / نویسنده امیر ماهر -
تهران: کوثر، ۱۳۸۳، ۱۶ ص.

ISBN 964-7579-14-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. کارتهای تبریک، الف. عنوان.

۳۹۵/۴

م ۳/ت ۲۰۹۵/ب ۱۲

۸۳-۱۶۰۸۳

کتابخانه ملی ایران



عنوان: گل نوشته های دوست داشتنی

نویسنده: امیر ماهر

تعداد: ۲۲۰۰، چاپ اول: زمستان ۱۳۸۲

لیتوگرافی نوین

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شابک: ۹۶۴-۷۵۷۹-۱۴-۴ ISBN 964-7579-14-4

پیش‌گفتار

مقدمه مؤلف

- ۲۱..... گل‌نوشته‌های روزهای نامزدی
- ۳۰..... گل‌نوشته‌های پیوند و دعوت به جشن عروسی (فصل بهار)
- ۶۹... گل‌نوشته‌های پیوند و دعوت به جشن عروسی (فصل تابستان)
- ۸۴..... گل‌نوشته‌های پیوند و دعوت به جشن عروسی (فصل پاییز)
- ۹۶.. گل‌نوشته‌های پیوند و دعوت به جشن عروسی (فصل زمستان)
- ۱۰۸..... گل‌نوشته‌های پیوند و دعوت به جشن عروسی (تمام فصول)
- ۱۱۳..... گل‌نوشته‌های تبریک به مناسبت فرا رسیدن نوروز

- گل‌نوشته‌های تبریک به مناسبت روز مادر ۱۱۹
- گل‌نوشته‌های تبریک به مناسبت روز پدر ۱۲۴
- گل‌نوشته‌های تبریک روز تولد از طرف مرد به همسرش ۱۲۹
- گل‌نوشته‌های تبریک روز تولد از طرف زن به همسرش ۱۳۷
- گل‌نوشته‌های تبریک روز تولد از طرف دوست به دوست ۱۴۷
- گل‌نوشته‌های تبریک تولد و دعوت به جشن تولد ۱۵۳
- گل‌نوشته‌های پاسداشت مقام و تبریک روز معلم (دبستان) ۱۶۳
- گل‌نوشته‌های پاسداشت مقام و تبریک روز معلم (راهنمایی) ۱۶۴
- گل‌نوشته‌های پاسداشت مقام و تبریک روز معلم (دبیرستان) ۱۶۵
- گل‌نوشته‌های پاسداشت مقام و تبریک روز معلم (دانشگاه) ۱۶۷

به نام یکتای بی‌همتا

نجوایی قبل از آغاز...

« و در آغاز سخن بود

و سخن تنها بود

و سخن زیبا بود»

تصویر شادی و غم به روایت قلمی همدم، دل خواسته دیرین آدمی
بوده که همچنان در عصر کاه دود آهن و الکتریسیته نیز، جذبه
کهربایی‌اش در نهانخانه وجود بشر جلوه می‌کند.

هنوز هم می‌توان در اسحار دلدادگی، آن هنگام که سهم بیشتری از
ما لازم‌وردين است، به مدد تموج باد صبا، گوشه‌ای از آواز عاشقانه‌های
سمرقند چوقند و همنوایی مطربان شکرپنجه بخارا باز شنید.

گل‌نوشته‌های...

خوشبختانه انسان ماشینی هنوز از زیبایی کلام، لذت می‌برد و دوست دارد آفات زندگانی خویش را با آن بیالاید. پیغام‌های تبریک و شادباش، کارت‌های دعوت مجالس شادی، عروسی، تولد، ... و همه و همه از این حکایت می‌کند که آدمی مشتاق است تا پزواک بویه‌ها و مویه‌های خود را در رواق کلام بنیوشد و طرحی از آن را در تار و بود حافظه‌ها منقش سازد. از این رهگذر، دوست عزیزم «امیر ماهرو» نیز بوستانی از گل‌نوشته‌های خود فراهم کرده، هدیه اصحاب را، که امیدوارم مورد توجه دوستداران قرار گیرد.

نیل مراد بر حسب فکر و همت است

از دوست نذر خیر و ز توفیق یاوری

مهندس محمد جواد عظیمی

به نام دوستم خدا

واگوبه‌های نویسنده

«وقتی عاشقید مگویید که خداوند در دل من است، که بگویید

من در دل خداوند هستم.»

«جبران خلیل جبران»

یاد اون روزا بخیر

که محبت بند پول، بند زمونه نبود.

یاد اون روزا بخیر که توی زمونه مهر و صفا، تو دل هیچ کسی آهی نبود یا اگه بود مثل آه امروزی بزرگ نبود.

یاد اون روزا بخیر که بدترین شخصیت کتاب قصه بچه‌ها مون، روباهی بود خیلی بلا، اما حالا همون روباه بلا دیگه ترسی نداره وقتی که همش می‌بینن بچه‌ها، هیولای بی‌حیا، و اما این را هم بخوانید و بگذرید...

گرچه هزاران بار نوشته‌اند و خوانده‌ایم ملتی هستیم هزار ساله ز فرهنگ و شعور، مردمی هستیم با دو صد کردار نیکو و هزار من مثنوی، اما آخر من به گوشم نشنیده‌ام دیگر اکنون مردم این دورمون با شعر حرفی را بگویند. یا برای شادی خاطرشان جای جوک های فلان شهر و فلان لهجه بگویند طنزهای عبید را لحظه به لحظه.

من به گوشم نشنیدم جمله‌های احساس‌مند هر چند سرتاسر غلو در میان حرف‌های دوستی با دوستش، همسری با همسرش، جمله‌های نغز و شیرین از پسر با پدرش یا مادری با دخترش، بگذریم حرف و حدیث و موعظه دیگر ندارد فایده.

فرصت گذشت و حرف دلم ناتمام ماند

نقرین و آفرین و دعا در گلو شکست

نمی‌دانم چرا وقتی در مورد نوشتن کتاب با دلم مشورتی داشتم هیچ مخالفتی نکرد. دل من خواست و به دنبال آن نیاز احساس شده‌ای الهام داد.

در راه نوشتن بودم که عزیزانی بعد از خواندن متن‌ها گفتند، شاد و خواندنی است و یا خوب است، دوستیانی فرمودند «چیپ» است، اما حقیقتاً ما بین خوب و «چیپ» نبودم به فکر جیب، تنها کار دل بود تقدیم دلبر.

در این گذر تنها دل‌خوش لطف یگانه دوستی هستم که هر زمان با ذکر نامش در اعماق وجودم حاضر است و مرا حافظ. مهربان بزرگی که کوچکی مرا هیچ‌گاه به رخ نکشید و بزرگی خویش را هیچ‌گاه با کوچکی من مقایسه نکرد. دوستت دارم ای همه خوبی در عین بی‌ریایی. چه بسیار خرسندم که بی‌منت موهبت نگارش را به من ارزانی داشتی ای خداوند مهربانی. و اینگونه سیاه مشق خود را تقدیم آنانی می‌کنم که با جهش جانانه احساس خود، جان و روحشان را طراوت می‌بخشند. آری و این تحفه چشم‌روشنی باشد برای کسانی که قضاوت و عشق را به دل می‌سپارند نه چشم.

و در اینجا پسندیده خواهد بود از دوست همیشگی و فرزانه‌ام جناب مهندس محمد جواد عظیمی قدردانی و تشکر نمایم که بی‌ریا و صمیمی قلم به سپیدی کاغذ نشانید و نقشی از سر مهر برایم آفرید. و اما ای خواننده آشنا این کتاب را

آنچنان نگاشتم که هر جمله‌اش به دور از تقلیدهای نابجای عباراتی و گردآوری‌های نخنما شده و تا حدودی معمول باشد و سعی بر آن بوده که بر پایه ذوق و سلیقه طیف‌های گوناگون علاقه‌مندان نوشته شود. نثرهای فاخر نثرهای عامیانه و نثرهای موزون از آن دسته‌اند و تنها پنجره امیدم را به روی نقطه‌نظرها، پیشنهادها و انتقادهای ادب دوستانی می‌گشایم که معرفت حضورشان همواره مشام قلبم را می‌نوازد و همین طور قدردان آنانی هستم که در این راه محبت را به جای تنگ‌نظری در دل داشتند و به مدد بی‌ریایی در اظهار لطفشان بارها و بارها بارقه امید «بنی آدم اعضای یکدیگرند» را در دلم زنده یافتم و تنها سپاس سبزفامی را «تحفه درویش» حضور گرانمایه جناب آقای علیرضا تابش می‌نمایم که به رسم زمان ماضی، بزرگواری و دلگرمی‌هایشان جان ماهوی قلمم را با طراوت ساخت و همین طور تشکر از جناب آقای ایل‌بیگی.

و عرض ادب، احترام و سپاسگزاری خود را حضور سرکار خانم بهبهانیان و سرکار خانم جلالی می‌نمایم.

گل‌نوشته‌ها

و در نهایت به پابوس تشکر آمده‌ام و به حرمت شکرگزاری دادار قلم آفرین،
مهرورزی خود را بر سر سفرهٔ غرور پدرم می‌نشانم که صلابت پدرگونه‌اش
ثبات حضور من را در عرضهٔ نوشتن باعث شد. و مادرم که سایهٔ دردوازه‌های
من بوده در طول زندگی. و کرنش ادب می‌کنم برای همه عزیزانی که تشویق
را بعد از سلام اوّل به من هدیه کردند. آری در پایان شیرین شکر کلام را به
باران مهربانی همسرم مزین می‌کنم تا واگویهٔ احساسم را بشنود که:

«دستچایت بوی باران می‌دهد،

بوی گل‌های بهاران می‌دهد،

بس که خوبی، مهربانی، ساده‌ای،

عشق در آغوش تو جان می‌دهد،

نجوای پایانی آنکه: این کتاب برای همه کسانی است که:

«باران را بسیار دوست می‌دارند»

امیر ماهر و

اول اردیبهشت ماه یکمزارو سیصد و هشتاد و دو